

الهام

رسالت نهایی شما

اثر: دکتر وین دایر

✓ زیستن به شیوه معنوی

✓ زندگی قبل از تولد

✓ راهی به سوی زندگی

✓ تغییر آگاهی از استعدادها و توانایی ها

✓ فراتر از انرژی های غیر معنوی

مترجم: رسول عظیمی



انتشارات اردیبهشت

سرشناسه	دایر، وین دبلیو. ۱۹۴۰ م. Dyer, Wayne W.
عنوان و نام پدیدآور	الهام، رسالت نهایی شما نویسنده وین دایر مترجم رسول عطیمی
مشخصات نشر	تهران: اردیبهشت، ۱۳۸۸
مشخصات ظاهری	۲۴۴ص
شابک	978-964-171-030-1
وضعیت فهرست نویسی	فبا
یادداشت	عنوان اصلی: c2006 . Inspiration: your ultimate calling
یادداشت	کتاب حاضر در سال های مختلف توسط ناشرین متفاوت منتشر شده است.
عنوان دیگر	کتاب حاضر نخستین بار تحت عنوان "پیش الهی ندای بهانی" توسط نشر جویا در سال ۱۳۸۵ منتشر شده است.
موضوع	نسخه الهی، ندای بهانی
موضوع	زندگی معنوی
موضوع	الهام، جنبه های مذهبی
موضوع	آبرار و جود - جنبه های مذهبی
موضوع	عظیمی، رسول، ۱۳۳۸ - مترجم
شماره افزودده	۱۳۸۹/۲۴:BL624/
شماره کتابخانه ملی	۴۲۰۴
	1691652



انتشارات اردیبهشت

آدرس: تهران، خ. انقلاب، خ ۱۲ فروردین، پلاک ۳۱۶ طبقه همکف

تلفن: ۰۲۸۰۸۸۶-۰۶۶۴-۰۸۱۷-۰۶۶۴-۰۶۶۴۹۷۶۱۳-۰۶۶۴-۰۶۶۴۹۲۸۷۶ تلفکس:

پستی: ۶۵۱۱۱-۱۳۱۴۶

WWW.Pub_ardibehesht@yahoo.com

www.ordibeheshtpub.ir

عنوان کتاب: الهام، رسالت نهایی شما

اثر: دکتر وین دایر

مترجم: رسول عطیمی

ویراستار: آرزیتا عطیمی

مدیر امور فنی: امیر هوشنگ اسکندری

لیتوگرافی و چاپ: هنر آفاق

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

نوبت و سال چاپ: چهارم ۱۳۹۶

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۷۱-۰۳۰-۱

قیمت: ۱۸۰۰۰ تومان

حق چاپ و نشر دائم این اثر محفوظ و متعلق به انتشارات اردیبهشت است.

فهرست

۷	زبان نویسنده
۸	مقدمه نویسنده

بخش اول: رسیدن به شیوهی معنوی

۱۵	فصل اول: زندگی روحانی
۲۷	فصل دوم: زندگی قبل از تولد
۳۵	فصل سوم: چرا هویت معنوی خویش را رها نردیم
۴۹	فصل چهارم: طعم بازگشت به حیطه‌ی معنوی
۶۳	فصل پنجم: راهی به سوی زندگی الهام بخش

بخش دوم: اساس الهام

۷۹	فصل ششم: قواعد لازم برای راه یافتن به یک زندگی الهام بخش
۹۳	فصل هفتم: الهام و عظمت شما
۱۰۵	فصل هشتم: الهام گرفتن آسان است
۱۲۱	فصل نهم: هیچ چیز قدرتمندتر از طرحی نیست که زمان آن فرارسیده باشد

بخش سوم: الهام گرفتن و الهام بخشیدن

- فصل دهم: الهام گرفتن ۱۳۹
- فصل یازدهم: الهام بخشیدن ۱۵۷
- فصل دوازدهم: فرارفتن از انرژی‌های متداول غیر معنوی ۱۷۱
- فصل سیزدهم: الهام در عمل ۱۸۹

بخش چهارم: گفت‌وگو با پروردگار

- فصل چهارم: ماییت و صفات تغییرناپذیر خداوند ۲۰۵
- فصل پنجم: افکار مظهر دانایی است ۲۱۷
- فصل شانزدهم: اهمیت یادآوری ۲۲۷
- فصل هفدهم: زبان منشأ ۲۳۷

بخش پنجم: برداشت شخص از الهام

- فصل هجدهم: زندگی در حیطه‌ی معنوی و با الهامات چگونه است ۲۵۳

مقدمه نویسنده

من عاشق الهامات هستم و اطمینان دارم، تصور زندگی در یک عالم الهام بخش برای شما نیز جذاب خواهد بود. من این کتاب را از صمیم قلب و با خلوص نیت نوشته‌ام و هدفم از آن، انتقال یافته‌ها و دیدگاه‌های خودم به شما می‌باشد. نوشتن این کتاب برای من یک تجربه‌ی عالی و منحصر به فرد بود. من به مدت چندین ماه حدود ساعت ۳:۳۰ صبح از خواب بیدار می‌شدم و بعد از نیایش به درگاه خداوند شروع به نوشتن این کتاب می‌نمودم. من دست خرد را روی سر قرار داده و اجازه می‌دادم، موضوعات از دنیای نامرئی درونم به قلبم جریان یافتند و از آن جا به روی کاغذ سرازیر شوند. من از صمیم قلب می‌دانم، که این کلمات به من تعلق ندارند و من صرفاً یک وسیله برای ابراز این کلام و افکار هستم. من به این فرآیند اعتماد دارم و فکر می‌کنم اگر نویسنده به هنگام نوشتن مطلب در عالم روحانی به سر ببرد، آن موضوع تأثیرگذار خواهد بود. من همچنین معتقدم این افکار و عقاید روی شما نیز تأثیر خواهند گذاشت. این خصوصی‌ترین کتابی است، که من در طول ۳۵ سال نویسندگی‌ام به رشته‌ی تحریر در آورده‌ام. من در این کتاب مثال‌هایی از زندگی خصوصی و تجربیات شخصی خودم را نیز عنوان نموده‌ام.

انتخاب موضوع ویژه‌ی این کتاب، عمداً و با هدف خاص صورت گرفته است. من به تدریج پی بردم به منظور نوشتن یک کتاب با موضوع حساسی مانند الهامات، باید احساسات خود را حتی‌الامکان ملموس‌تر منتقل نمایم. درست همان‌طور که نمی‌توان مژه‌ی انبه را از توصیف شخص دیگری دریافت، من هم نمی‌توانستم مفهوم الهام را از تجربیات و نوشته‌ی دیگران به خوانندگان منتقل کنم. من در این کتاب با نوشتن از صمیم قلب خود، توانستم حال و هوای الهام را در لایه‌لای این صفحات زنده نگاه دارم.

هنگامی که من این کتاب را به اتمام می‌رساندم، یک مکاشفه‌ی عرفانی با یک پروانه: این شکننده‌ترین مخلوق خدا داشتم. در آخرین فصل این کتاب، آن تجربه‌ی حیرت‌انگیز را توضیح داده‌ام. هم چنین در آن‌جا شرح داده‌ام، که اگر نقطه نظرات این کتاب را درباره‌ی الهام به کار بیندید، زندگی شما چگونه خواهد شد. من خودم از تکرار بعضی مطالب به بله پی‌درپی در طول کتاب آگاه هستم. منظور من از تکرار موضوعات تأکید خاص بر روی آن‌ها بوده است. از آن جایی که این کتاب را وسیله‌ای می‌دانم، برای بردن شما به فضایی که در آن‌جا معنای واقعی «معنوی بودن» را درک نمایید. این موارد در طول کتاب تکرار و روی آن‌ها تأکید گشته است. شالوده و موضوع کتاب، «زندگی در عالم معنوی» است. شما از روح سرچشمه گرفته‌اید و برای گرفتن الهام باید مانند آن چیزی شوید که از آن به وجود آمده‌اید. باید به گونه‌ای زندگی نمایید، که بیشتر شبیه خدا شوید. اگر آموزگاران و سخن‌رانان مورد علاقه‌ی من آنتونی دمیلو^۱، یک کشیش کاتولیک بود، که در هندوستان زندگی می‌کرد و می‌توانست موضوعات پیچیده‌ی فلسفی را به تعلیمات ساده و قابل فهم تبدیل نموده و آن‌ها را به شکل هنرمندانه در قالب داستان، منتقل نماید. داستان را که در این‌جا برای شما شرح می‌دهم، یک داستان کوتاهی است، که در آن پدر مبارک روشن‌ضمیری را توضیح داده و آن چیزی را که من می‌خواهم درباره‌ی زندگی در عالم روحانی بیان نمایم، به خوبی خلاصه کرده است:

شاگردی برای به جا آوردن ادب، پیش‌روی مرشد خود زانو زد. مرشد در گوش او دَکری را گفت و تأکید کرد، که آن را فاش نکند. شاگرد پرسید: «اگر بگویم، چه اتفاقی خواهد افتاد؟» مرشد گفت: «اگر آن را به کسی بگویی، آن شخص از بند جهل و رنج آزاد خواهد شد ولی خودت را از پیروی من محروم خواهی کرد و در رنج و لعنت به سر خواهی برد.» شاگرد بعد از این که این سخنان را شنید، به بازار رفت و ذکر خود را با

^۱ Anthony de Mello

صدای بنند و به گونه‌ای تکرار کرد، که همه‌ی حاضران آن را بشنوند. طرفداران مرشد این خبر را به او داده و خواستار اخراج آن شاگرد از معبد شدند. مرشد در حالی که لبخندی می‌زد، گفت: «او احتیاجی به هیچ یک از تعلیمات من ندارد. عمل امروز این آدم نشان داد، که او خود می‌تواند یک مرشد باشد.»

اگر به مطالب کتابی که در دست دارید بیشتر توجه نمایید، مفهوم این داستان برای شما روشن‌تر خواهد شد. شما یک رسالت مشخص برای بازگشت به معنویت دارید. در حال حاضر این رسالت در زندگی شما شروع به عمل کرده و گرنه شما به این کتاب و عباراتی که اکنون در حال خواندن آن هستید، دسترسی پیدا نمی‌کردید. من از شما استدعا دارم به رسالت خود پاسخ داده و طعم شادکامی واقعی را که منتظر شماست، بچشید و الهامات خود را در زندگی‌تان به یک واقعیت تبدیل نمایید.

تقدیم با عشق، وین دایر